

نقش امیرالمؤمنین علی (ع) در سلامت قرآن از تحریف

حسام قربانی^۱

^۲ کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران

چکیده

تحریف در لغت به معنای کناره، جانب، لبه و اطراف است و در اصطلاح به حاشیه بردن معنای لفظ و ایجاد نوعی دگرگونی و انحراف در مقصود گوینده اطلاق می‌گردد. امیرالمؤمنین (ع) در سلامت قرآن از تحریف نقش بی‌بدیلی داشتند و با اقداماتی که انجام دادند سبب در امان ماندن قرآن کریم از تحریف شدند. از مهم‌ترین اقدامات امیرالمؤمنین (ع) در صیانت لفظی قرآن کریم، جمع و تدوین آخرین کتاب آسمانی است. همچنین امیرالمؤمنین (ع) همواره در فرمایشات خویش به تمسک به قرآن کریم سفارش می‌نمودند و با توصیه به فراگیری قرآن و همراهی با آن در همه اوقات و تشویق مردم به تلاوت کلام الهی، گامی دیگر در صیانت این امانت الهی بر داشتند. از جمله اقدامات دیگر حضرت علی (ع)، دستور به وضع اعراب قرآن بوده است؛ این اقدام حضرت با توجه به اختلافاتی که در عرصه قرائت قرآن، پس از رحلت رسول خدا (ع) در بین مسلمانان پدید آمده بود، نقش بسیار مهمی در صیانت لفظی قرآن داشت.

واژه‌های کلیدی: قرآن. تحریف‌ناپذیری، صیانت قرآن، مصحف علی (ع)

۱. مقدمه

خداوند متعال پس از آفرینش انسان او را بیهوده رها نکرده است و با ارسال رسولان و انزال کتب، راه را از بی‌راهه به بشر نمایانده است. قرآن کریم، به عنوان آخرین کتاب آسمانی و سند جاودانه نبوت، بر آخرین فرستاده الهی، پیامبر اسلام (ص)، نازل گردید که راهنما و هدایت بشر در همه زمان‌ها باشد و انسان را از ظلمت جهل و کفر به روشنایی علم و راه مستقیم رهبری کند. به سبب اهمیت و نقشی که قرآن کریم در این راستا دارد، باید از گزند تحریف و آسیب مصون و سلامت باشد و بدون هیچ کم و کاستی در اختیار نسل‌های آینده قرار بگیرد، زیرا قرآن کریم، کتاب انسان‌ساز و جامعی است که مختص یک زمان و افراد معینی نیست بلکه در تمام اعصار و نسل‌ها تأثیر گذارد است و مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر همین اساس، خداوند وعده حفظ قرآن را داده است و می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر/۹)؛ ما کتاب را نازل کردیم و به راستی حافظ و نگهبان آن هستیم.

در زمان حیات پیامبر (ص)، ایشان و مسلمانان، عنایت ویژه‌ای به جمع‌آوری، حفظ، ضبط و نگارش قرآن داشتند، به گونه‌ای که هم‌زمان با نزول وحی، عده‌ای به کتابت و نگارش کلام الهی اقدام نمودند و گروهی مشغول به حفظ آیات وحی شدند. همچنین، پیامبر (ص) در جهت گسترش فرهنگ قرآنی و حفظ و صیانت آن از هر گونه دستبرد و تحریف، اقدام به آموزش قرآن نمودند. پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، امیرالمؤمنین (ع) به عنوان وصی و جانشین ایشان، مسؤولیت نگهداری و حفاظت از قرآن را عهده‌دار شدند. ایشان هر مشکلی که پیش می‌آمد، آن را به قرآن کریم عرضه می‌فرمودند و از قرآن کمک می‌گرفتند. آن حضرت (ع)، با این شیوه به مردم می‌آموختند تحت هر شرایطی باید به این ریسمان الهی چنگ زده و در آن راه نجات و سعادت خود را جستجو کنند.

در این نوشتار، بر آن هستیم تا با بهره‌گیری از رویکردی توصیفی عملکرد و نقش مهم و به سزایی که امیرالمؤمنین (ع) در صیانت از قرآن داشته‌اند و همچنین شیوه‌ها و روش‌هایی را که برای تحقق این امر مهم و حیاتی در جامعه اسلامی به کار بسته‌اند را مورد کندوکاو و بررسی قرار دهیم. نخست به «تحریف و انواع آن» می‌پردازیم و در ادامه به نقش صیانتی امیرالمؤمنین (ع) در جهت سلامت قرآن از تحریف و شیوه‌هایی که ایشان از آن بهره جستند، اشاره خواهیم نمود.

۲. تحریف

تحریف در لغت از ریشه «حرف» است و معنای اصلی «حرف» را کناره، جانب، لبه و اطراف دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۳/۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۲۸؛ ابن عبّاد، ۱۴۱۴ق: ۸۲/۳؛ مصطفوی، ۱۴۲۶ق: ۱۹۸/۲). بر این اساس، تحریف، به حاشیه بردن معنای لفظ و ایجاد نوعی دگرگونی و انحراف در مقصود گوینده است.

در تعریف اصطلاحی تحریف، شش معنا از جمله: تحریف معنوی، تحریف حروف و حرکات، تحریف کلمات، تحریف آیات، تحریف به زیادت و تحریف به نقصه ذکر شده است. در این میان تنها دو مورد اخیر ماهیت و واقعیت قرآن را تغییر می‌دهند که تحریف به زیادت، اصلاً راهی به قرآن نیافته است و بطلان آن در میان تمام مسلمانان مسلم و از ضروریات و بدیهیات است و وقوع تحریف به نقصه در قرآن کریم مورد اختلاف است؛ به نحوی که عده معدودی از علماء آن را پذیرفته‌اند و اکثر علماء آن را مردود می‌دانند (خویی، ۱۴۳۰ق: ۱۹۷-۲۰۰).

۳. قرآن در کلام امیرالمؤمنین علی (ع)

با گذری کوتاه در نهج البلاغه در می یابیم که امیرالمؤمنین (ع) در اکثر خطبه‌ها و سخنان خود به آیات قرآن استناد می‌کنند؛ گویا خطبه یا کلام خود را شرح و تفسیری از آن آیه می‌دانند و در اکثر موارد در مقام تعظیم و تکریم قرآن و بیان ویژگی‌های آن بر می‌آیند که روح و جان آدمی را صفا و طراوت می‌بخشد. امیرالمؤمنین علی (ع) در بخشی از خطبه ۱۸ نهج البلاغه به توصیف قرآن می‌پردازد و ضمن اشاره به آیاتی چند از قرآن کریم از جمله «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام/۳۸) و «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء/۸۲)، در عباراتی کوتاه حقایق زنده‌ای را درباره اهمیت قرآن بیان می‌کند و می‌فرماید: «قرآن ظاهرش زیبا و آراسته و باطنش عمیق و ژرف است؛ نکات شگفت‌آورش هرگز تمام نمی‌شود، اسرار نهفته‌اش پایان نمی‌گیرد و ظلمات (جهل و گمراهی) جز در پرتو انوارش بر طرف نخواهد شد».^۱

همچنین، ایشان در خطبه ۱۴۷ نهج البلاغه پیرامون قرآن می‌فرماید: «به زودی بعد از من زمانی فرا خواهد رسید، که چیزی پنهان‌تر از حق و آشکارتر از باطل و فراوان‌تر از دروغ بر خدا و پیامبرش نخواهد بود و نزد مردم آن زمان کالایی کسادتر از قرآن یافت نشود، هرگاه آن را درست تلاوت و تفسیر کنند و نه پر رونق‌تر از قرآن هرگاه از معنی اصلیش تحریف گردد (و به دل خواه تفسیر شود)». به طور کلی هدف ایشان از این بیانات بدون شک صیانت از کلام الهی می‌باشد که مأمور به انجام این وظیفه الهی از جانب حق بوده‌اند تا این کلام الهی بدون هیچ کم و کاستی در اختیار آیندگان قرار گیرد و با اطمینان خاطر راه سعادت خود را از این امانت الهی کسب کنند.

۴. نقش امیرالمؤمنین (ع) در سلامت قرآن از تحریف

در این بخش از پژوهش در حدّ توان سعی شده است اقدامات صیانتی امیرالمؤمنین (ع) در رابطه با قرآن کریم که از شواهد تاریخی و روایی به دست می‌آید، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱.۴. جمع قرآن و مصحف علی (ع)

وقتی آیات قرآن بر پیامبر (ص) نازل می‌شد، پیامبر (ص) آیات را قرائت می‌فرمودند و کاتبان وحی آن‌ها را می‌نوشتند و حافظان آیات را به حافظه می‌سپردند. آیات قرآن کریم در زمان حیات رسول خدا (ص) گردآوری شدند و آیات و سوره‌ها در جای خود قرار گرفتند. امیرالمؤمنین علی (ع) از آغاز نزول وحی در کنار پیامبر (ص) بودند و کتابت و حفظ وحی را به طور مداوم بر عهده داشتند. ایشان صاحب مصحف شخصی بودند؛ بدین معنا که برای خود مصحفی تهیه کرده بودند و مجموعه‌ای از آیات الهی را برای خود گرد آورده بودند (رامیار، ۱۳۶۹ش: ۳۳۳). با این توضیح که این مصحف، به ترتیب نزول گردآوری شده بود (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۲۲۰/۱؛ طبرانی، ۲۰۰۸م: ۱۲/۱؛ زرقانی، بی‌تا: ۳۴۶/۱).

مرحوم معرفت در توصیف مصحف علی (ع) چنین می‌نگارد:

«در این مصحف، قرائت آیات طبق قرائت پیغمبر اکرم (ص) که اصل‌ترین قرائت بود، ثبت شده بود و هرگز برای اختلاف قرائت در آن راهی نبود و بدین ترتیب راه برای فهم محتوی و به دست آوردن تفسیر صحیح آیه هموار بود و این امر اهمیت به سزایی داشت؛ زیرا چه بسا اختلاف قرائت موجب گمراهی مفسر می‌شود که در آن مصحف موجبات گمراهی وجود نداشت. همچنین، این مصحف مشتمل بر تنزیل و تأویل بود؛ یعنی موارد

۱. وَ إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْقَى عَجَائِبَهُ وَ لَا تَنْقُصِي عَزَائِبَهُ وَ لَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ.

نزول و مناسبت‌هایی را که موجب نزول آیات و سوره‌ها بود، توضیح می‌داد، البته در حاشیه مصحف» (معرفت، ۱۳۸۲ش: ۸۶).

روایات فراوان و معتبری از این مصحف سخن می‌گویند و توصیفاتی از آن ارائه می‌کنند؛ حاصل آنکه در نزد فریقین، اصل وجود مصحف علی(ع) محرز است و جای هیچ تردید و خدشه‌ای وجود ندارد (نجارزادگان، ۱۳۷۸ش: ۴۲۵). در مصحف علی(ع) اضافاتی وجود داشت که مصاحف دیگر فاقد این اضافات بودند (شهرستانی، ۱۳۸۷ش: ۵۵۸/۱؛ بلاغی، بی‌تا: ۲۷۷/۱؛ خویی، ۱۴۳۰ق: ۲۲۴). عده‌ای با استناد به اضافاتی که در مصحف علی(ع) آمده است، بر آن هستند؛ قرآنی که اکنون در دسترس است، کمتر از مصحف علی(ع) و این همان تحریف به نقیصه است. در این رابطه توجه به دو نکته ضروری است؛ از یک سو، اضافاتی که در مصحف علی(ع) آمده است، به مثابه تفسیر، تأویل، شرح و یا توضیح آیات هستند که در مصحف کنونی وجود ندارد. با در نظر داشتن این مطلب، در می‌یابیم ایشان بین وحی تشریعی و وحی بیانی تفاوت قائل نشده‌اند و به تحریف به نقیصه معتقد گشته‌اند (خویی، ۱۴۳۰ق: ۲۲۳-۲۲۵).

از سوی دیگر، چنانچه کوچک‌ترین تحریفی در قرآن واقع می‌شد، امیرالمؤمنین(ع) نسبت به آن سکوت نمی‌کردند. به عنوان نمونه، می‌توان به نقش صیانتی امیرالمؤمنین(ع) در رابطه با آیه ۱۰۰ سوره توبه اشاره نمود. موضوع از این قرار بود که خلیفه دوم عمر بن الخطاب مخالف وجود «واو» در آیه مذکور بود و آیه را بدون «واو» تلفظ می‌کرد (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۲۶۹/۳). این موضوع به علی(ع) رسید و ایشان فرمودند همان طوری که مردم تلاوت می‌کنند باید تلاوت شود.

آنچه بیان شد، نخست بیانگر اهتمام امیرالمؤمنین(ع) به جمع قرآن است تا بدین سان از تعرض به کتاب آسمانی و تحریف آن جلوگیری شود؛ و همچنین، گواه و شاهی بر عملکرد امیرالمؤمنین(ع) در صیانت از این امانت الهی است، که توسط آن حضرت صورت گرفته است و هیچ زیاده و یا نقصانی در قرآن راه نیافته است و قرآنی که در اختیار همگان است، همان است که لفظ آن بر پیامبر اسلام(ص) نازل شده است و اگر اختلافی بود، امیرالمؤمنین(ص) در قبال این امانت الهی سکوت نمی‌کردند.

۲.۴. دستور به وضع اعراب

قرآن کریم به زبان عربی بر پیامبر اسلام(ص) نازل گردید. از ویژگی‌های این زبان آن است که غالباً حرکات اعرابی نقش مهمی را در فهم و بیان معنا و مقصود گوینده بر عهده دارد، به گونه‌ای که هرگونه تغییر در اعراب به تغییر در معنای جمله می‌انجامد. مصحف‌های عثمانی به مقتضای خطی که در آن وقت بین مردم عرب رایج بود، از هر نشانه و علامتی که حروف نقطه‌دار و بی نقطه را مشخص می‌کند، خالی بود (معارف، ۱۳۸۳ش: ۲۰۵). همچنین، در آن عصر حرکت و اعراب حروف و کلمات به وسیله فتحه، کسره، ضمه و تنوین نشان داده نمی‌شد؛ اما از آنجا که قرائت قرآن امری سماعی و متکی به نقل و روایت بود، خالی بودن رسم الخط از نقطه و علائم املائی مشکلی در امر قرائت ایجاد نمی‌کرد؛ لکن به مرور زمان خصوصاً آن گاه که ملل غیر عرب به اسلام روی آوردند و به فراگیری و قرائت قرآن علاقه‌مند شدند، رسم الخط مصاحف مشکلات متعددی در عرصه قرائت قرآن به وجود آورد و به خصوص غلط‌خوانی گسترش یافت.

۱. وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

آنچه مورد اتفاق است، این است که ابوالاسود دوئلی^۱ نخستین کسی است که با راهنمایی‌های حضرت علی (ع) مصاحف را نقطه‌گذاری نمود. ابوالاسود از بزرگان تابعین و از فقها و محدثین آن‌ها بود و از عمر بن خطاب، امیرالمؤمنین علی (ع)، ابن عباس و دیگران بسیار روایت کرده است (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق: ۳۰۱/۱۲). بدیهی است که دانش اعراب، به ویژه اعراب قرآن، از دامن قرآن کریم برخاسته است و تاریخ آن به دوره پس از نزول قرآن کریم باز می‌گردد (حجتی، ۱۳۶۸ش: ۱۳۷).

به منظور حفظ و صیانت قرآن، نخست قواعد ساده و بسیطی برای زبان عربی به دستور حضرت علی (ع) وضع گردید و در ادامه ابوالاسود دوئلی دست اندر کار اعراب‌گذاری قرآن گردید و نشانه‌ها و نقاطی را برای اعراب‌گذاری قرآن وضع کرد. ابوالاسود با کمک نویسنده‌ای به اعراب‌گذاری قرآن پرداخت و اعراب سه‌گانه و نیز علامت سکون را به صورت نقطه‌هایی بر روی کلمات قرآن قرار داد که این کار او زیر نظر امیرالمؤمنین (ع) انجام شد که مخالفت‌هایی را نیز به همراه داشت. مخالفان امر اعراب‌گذاری معتقد بودند قرآن بدون حرکات بر پیامبر (ص) نازل شده است و نباید زیادت و تحریفی در آن ایجاد کنیم. امیرالمؤمنین (ع) مردم را توجیه نمودند که این خود نوعی صیانت از قرآن به شمار می‌رود؛ و به دلیل نقش انکارناپذیر این علائم در درست‌خوانی قرآن، به تدریج مردم از این علائم استقبال کردند و پس از مدتی این علائم به صورت جزئی از رسم‌الخط قرآن درآمد.

در پایان گفتنی است، ابوالاسود پیشنهاد زیاد ابن ابیه مبنی بر اینکه نوشته‌ای از علم نحو را بنگارد تا مردم زمان خود و نسل‌های بعد از آن استفاده کنند، نپذیرفت. اما زمانی که ابوالاسود از محلی عبور می‌کرد، شخصی را دید که کلمه «رَسُولُ» در آیه «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» را به کسر لام می‌خواند. ابوالاسود وقتی قرائت این شخص را شنید ناراحت شد و پذیرفت که خواسته زیاد ابن ابیه را برآورده سازد.

۳،۴. توصیه به تمسک به قرآن

در این قسمت از پژوهش به تلاش‌های بی‌دریغ امیرالمؤمنین (ع) برای آگاهی بخشی و هدایت مردم به راه راست و نشان دادن فهم درست از زندگی و سعادت هر دو جهان هستی که اساس نزول این کتاب آسمانی است، اشاره خواهیم نمود.

امیرالمؤمنین (ع) قرآن را در یک کلام، کتابی آسمانی دانسته که با نور آن می‌توان ظلمت‌ها و ظلمت‌کده‌ها را روشن کرد و افق‌های پیش رو را شناخت و گامی به پیش نهاد و سعادت دنیوی و اخروی را برای خود اختیار نمود. آن حضرت در بخشی از کلام خود، قرآن کریم را ریسمان استوار خدا می‌داند (نهج البلاغه، خطبه/۱۷۶).^۲ علی (ع)، قرآن را با چنان ابعاد و ژرفایی می‌شناساند که هر کس به این ریسمان الهی، که از طرف پروردگار عالم برای هدایت بشر آمده، چنگ زند سعادت هر دو دنیای خود را تضمین می‌کند؛ به این معنا که هر راهی که برای رفتن به سوی خدا و سعادت بشر لازم است، در این کتاب معرفی شده است. به بیان دیگر، قرآن دارای همه معارف و دستورات مورد نیاز بشر است و این سعادت تحقق نمی‌یابد مگر در سایه عمل به قرآن و راهنمایی‌های اهل بیت که مجریان کلام الهی در این کره خاکی می‌باشند (مرادی، ۱۳۸۲ش: ۱۶).

۱. پیرامون نسبت دوئلی اختلاف نظر وجود دارد. نسبت او را الدَّوْلِي (ابن قتیبه، ۱۹۰۰م: ۵۶۸/۱؛ سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۴۰۵/۵)؛ الدلیلی (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۱۸۶/۲۸) و الدَّوْلِي (ابن قتیبه، بی‌تا: ۶۶/۱؛ یغموری، ۱۹۶۴م: ۲/۱) بیان کرده‌اند.

۲. وَ إِنَّ اللَّهَ شَهِيدٌ لِّمَنْ يَعْمَلُ أَحَدًا يُمِثِّلُ هَذَا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ خَبَلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَ سَيِّدُهُ الْأَمِينُ وَ...

امیرالمؤمنین (ع) به ما می‌آموزد که راه نجات و سعادت آدمی، ارتباط همیشگی با کلام خداوند و به یاد داشتن معارف این کتاب آسمانی است و این چنین آن حضرت با سخنان حکمت آمیز و نورانی خود در دل‌ها راه یافته و موجب صیانت از قرآن را فراهم می‌آورد و دل‌های مشتاق را به استعانت از این کتاب الهی فرا می‌خواند. همچنین امیرالمؤمنین (ع) در ابعاد مختلف سیره فردی و اجتماعی خود به آیات قرآنی استناد می‌فرمودند و این خود نوعی صیانت از این امانت الهی به شمار می‌رود.

از آنچه که گذشت، مشخص می‌گردد کوچک‌ترین خلل و تغییری در قرآن به وجود نیامده و هرگز مورد تحریف قرار نگرفته است، چرا که اگر چنین بود دیگر کتاب هدایت و مایه سعادت دنیوی و اخروی نبود و از اعتبار ساقط می‌شد، در حالی که آن حضرت به طور ضمنی با دعوت مردم به تدبیر در قرآن و بهره‌گیری از آن در امور، به عدم تحریف این کتاب آسمانی اشاره می‌کنند و این کتاب را مایه هدایت و تمسک به آن را سبب سعادت دنیوی و اخروی می‌دانند.

۵. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین اقدامات امیرالمؤمنین (ع) در صیانت لفظی قرآن کریم، جمع و تدوین آخرین کتاب آسمانی است. پس از رحلت پیامبر (ص)، مسؤولیت سنگین هدایت امت و حفظ و صیانت کلام الهی، بر عهده امیرالمؤمنین (ع) بود؛ ایشان همواره در فرمایشات خویش به تمسک به قرآن کریم سفارش می‌نمودند و با توصیه به فراگیری قرآن و همراهی با آن در همه اوقات و تشویق مردم به تلاوت کلام الهی، گامی دیگر در صیانت این امانت الهی بر داشتند. از جمله اقدامات دیگر آن حضرت، دستور به وضع اعراب قرآن بوده است؛ این اقدام ایشان با توجه به اختلافاتی که در عرصه قرائت قرآن، پس از رحلت رسول خدا (ص) در بین مسلمانان پدید آمده بود، نقش بسیار مهمی در صیانت لفظی قرآن داشت.

منابع و مراجع

قرآن کریم

نهج البلاغه (صبحی صالح)

- ۱- ابن عبّاد، صاحب بن عبّاد (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، تحقیق محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتاب.
- ۲- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۳- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۹۰۰م)، *ادب الکاتب*، به کوشش ماکس گرونتر، لیدن: انتشارات لیدن.
- ۴- _____ (بی‌تا)، *المعارف*، بی‌جا.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، تحقیق جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر.
- ۶- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۱۵ق)، *الأغانی*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۷- بلاغی، محمدجواد (بی‌تا)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، تحقیق بنیاد بعثت، قم: وجدانی.
- ۸- حجتی، محمدباقر (۱۳۶۸ش)، *سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو*، تهران: بنیاد قرآن.
- ۹- خویی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ق)، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.

- ۱۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار القلم.
- ۱۱- رامیار، محمود (۱۳۶۹ش)، *تاریخ قرآن*، تهران: امیرکبیر.
- ۱۲- سمعانی، عبدالکریم (۱۳۸۲ق)، *الأنساب*، محقق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدر آباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية.
- ۱۳- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق)، *الایقان فی علوم القرآن*، بیروت: دار الكتاب العربی.
- ۱۴- _____ (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- ۱۵- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۸۷ش)، *تفسیر الشہرستانی المسمی مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار*، تهران: مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط.
- ۱۶- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*، اردب: دار الكتاب العربی.
- ۱۷- مرادی، محمد (۱۳۸۲ش)، *امام علی علیه السلام و قرآن*، تهران: هستی نما.
- ۱۸- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۹- معارف، مجید (۱۳۸۳ش)، *مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی*، تهران: مؤسسه نبأ.
- ۲۰- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۲ش)، *تاریخ قرآن*، تهران: سمت.
- ۲۱- نجارزادگان، فتح الله (۱۳۷۸ش)، *سلامة القرآن من التحریف*، تهران: پیام آزادی.
- ۲۲- یغموری، یوسف بن احمد (۱۹۶۴م)، *نور القبس المختصر من المقتبس*، بی جا.